

اهداف مهم آموزش و پرورش ایران باستان

را می‌توان به صورت ذیل خلاصه نمود:

- ۱- هدف دینی و اخلاقی که تحت تعالیم زرتشت به شعر پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک جامه عمل پوشانند.
- ۲- هدف نیرومندی و بهداشتی برای تندرستی و پاک تنی و راستی و جوانمردی، چنان که در دین زرتشت پاکیزگی تن برای هر زرتشتی از وظایف دینی است و ناپاکی تن و بیماری به اهریمن منسوب است.
- ۳- هدف جنگی و نظامی جهت نگهداری حدود مرز و بوم و حفظ آرامش و دفاع در برابر دشمنان.
- ۴- هدف اقتصادی به جهت تهیه نان و قوت مردم و رفاه و آسایش آن‌ها و حفظ خانواده و توسعه صنعت و هنرها.
- ۵- هدف سیاسی به جهت روابط عمومی و امنیت و کشورداری و روابط خارجی

سازمان آموزشی ایران باستان:

در طی قرون و اعصار متمادی سازمان تعلیم و تربیت یک‌سان نبوده است و به فراخور زمان اماکن آموزشی اعصار باستان متفاوت بوده‌اند. لیکن در قسمت اعظم این مدت، خانواده و آتشکده و آموزشگاه درباری به پرورش اطفال و نوجوانان می‌پرداختند که البته در برخی قرون دبستان و دانشگاه نیز بدان افزوده شده است.

برنامه‌ی آموزشی در ایران باستان:

برنامه‌ی تعلیم و تربیت در ایران باستان را می‌توان شامل سه قسمت عمده دانست:

۱- پرورش دینی و اخلاقی ۲- تربیت بدنی ۳- تعلیم خواندن و نوشتن و حساب برای طبقات خاص

پرورش دینی و اخلاقی: از آن جا که آموزش‌های اولیه بیشتر جنبه دینی داشت ادیان را می‌توان نخستین پایگاه آموزش انسانی دانست که در زندگی روزمره نقش آموزش را با قدرت با زندگی فرهنگی مردم می‌آمیخته است و از آن جا که در اوستا فصل مخصوصی به تربیت کودک و معلم و روحانی اختصاص یافته بود و در پندنامه بزرگمهر نیز از اهمیت آموزش دینی سخن به میان آمده است و هرکسی را موظف می‌داند که ۱/۳ شبانه روز را صرف تربیت دینی نماید، می‌توان اذعان داشت که در واقع مهم‌ترین و یا یکی از مهم‌ترین قسمت‌های برنامه آموزشی ایران باستان، پرورش دینی و اخلاقی بوده است و این نوع آموزش به واقع رایج‌ترین و همگانی‌ترین نوع تعلیم به شمار می‌رفت که در خانه و آتشکده معمولاً انجام می‌پذیرفت.

تربیت بدنی و آموزش نظامی: یکی از مهم‌ترین نوع تعلیم نوجوانان و جوانان را تشکیل می‌داده است و هدف آن دفاع از سرحدات و لشکرکشی، پرورش روحیه‌ی سلحشوری و جنگاوری و حفظ وحدت می‌بود. برای تربیت بدنی سوارکاری، تیراندازی، شکار، چوگان، ژوبین اندازی و شنا را می‌آموختند.

خواندن و نوشتن و حساب کردن: که معمولاً فقط به عده معدودی آموخته می‌شد. به مانند فرزندان بزرگان و نجبا و موبدان که معمولاً برای فرماندهی سپاه و حکمرانی و دادرسی و نگاه‌داری دفاتر دیوان و حساب و مالیات تربیت می‌شدند. در واقع می‌توان اذعان

داشت که این مرحله از آموزش فقط ویژه اشراف بوده است. از سوی دیگر در این مرحله به تربیت ترجمه کنندگان زبان‌های ملل مختلف نیز اقدام می‌شده است. همچنین مطابق نظر فردوسی، که با منابع تاریخ ایران باستان آشنا بوده است، سخنوری آموختن نیز در این مرحله همواره قسمتی از تربیت شاهزادگان بوده است.

محدودیت‌های آموزش و پرورش در ایران باستان:

علی‌رغم ویژگی‌های مثبتی که در روند آموزش و پرورش ایران باستان وجود داشته است متأسفانه این نظام آموزشی از محدودیت‌ها و یا بهتر است ذکر شود معایبی رنج می‌برد. بزرگ‌ترین محدودیت‌ها و معایب سازمان آموزش ایران باستان را می‌توان به شکل ذیل دسته بندی نمود:

- ۱- آموزش و پرورش در انحصار طبقه اعیان و اشراف و شاهزادگان بود.
- ۲- آموزش یافتگان سعی داشتند دانش و معلومات خویش را از مردم عادی مخفی دارند.
- ۳- در آموزش و پرورش القا عقیده و اندیشه حاکم بود که نتیجه‌اش فرمان‌برداری مطلق و اطاعت کورکورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب بود.

تربیت بدنی و ورزش در دوره فئودالیسم :

با گسترش مسیحیت، زهد گرایی نیز قدرت گرفت. این همان تفکری بود که می‌گفت شیطان در جسم حلول کرده است، بنابراین جسم باید تابع و تسلیم روح پاک می‌شد. طلب دنیاکاری شیطانی بود و افراد باید اوقات خود را فقط در تمرکز و خلسه صرف می‌کردند. جسم تملک شده به وسیله شیطان، باید شکنجه و عذاب می‌شد. افراد لباس‌های

مویی می پوشیدند و روی زغال داغ راه می رفتند و به پاهای خود زنجیر می بستند ، آنها خود را در برابر این عناصر قرار می دادند تا شاید بهتر بتوانند جسم خود را کنترل کنند .
اعمالی این چنین سلامت را به خطر انداخت و سیستم عصبی را در هم شکست .

با پیشرفت مسیحیت صومعه ها ، جایی که راهبان خود را از شاطین جدا می ساختند ، بنا گردید. مدارس نیز با این صومعه ها در ارتباط بودند . مسیحیت در اوایل ظهور مانع از اجرای برنامه های تربیت بدنی و ورزش در برنامه های تحصیلی می شد . در دانشگاه ها و مؤسسات عالی نیز (در قرون وسطی) از تربیت بدنی و ورزش استقبال نمی شد .

اسکولاستیکسیم یا فلسفه مدرسی پدیده دیگری بود که بر تاریخ تربیت بدنی اثر گذاشته است ، اعتقادی که حقایق را از مهمترین عناصر تعلیم و تربیت می دانست . رمز موفقیت در زندگی شناخت حقایق و توسعه نیروی ذهنی و قوه عقلانی قلمداد می شد . این طرز تفکر به جسم به عنوان یک قالب بی اهمیت و نه چندان ضروری تأکید داشت در مدارس و دانشگاه های قرون وسطی ، این حرکت در حال توسعه بود .

در نتیجه عدم تمرکز حکومت طی سال های سیاه بین قرن نهم تا چهاردهم دوره فئودالیسم آغاز شد . دوره فئودالیسم فرا رسید ؛ زیرا مردم به پشتیبانی و محافظت نیاز داشتند و در آن زمان امپراتورنان مقتدر و حکومت های قوی که این پشتیبانی را برآورده کنند کم بود . مردم به طرف نجیب زادگان ، قصرنشین ها و زمیندارن بزرگ روی آوردند . فئودالسیم نظام زمینداری و مبتنی بر خدمت و تبعیت از نجیب زادگان و لُرد بود . لُرد صاحب زمین ، فیف نامیده می شد . او این اجازه را داشت که یک مالک را تابع خود سازد . در استفاده از زمین مالک مدیون و ملزم به تبعیت از لُرد بود . بخش عظیمی از مردم رعیت بودند و با وجود

زحمت زیاد سود کمی عاید آنان می شد . آن ها به زمین وابسته بودند و به معامله زمین و انتقال آن از مالکی به مالک دیگر معامله می شدند .

برای پسران نجیب زادگان در دوره فئودالیسم دو حرفه در نظر گرفته می شد . آنها یا به کلیسا می رفتند و پس از آموزش ، روحانی می شدند و یا به کسوت شوالیه ها در می آمدند. اگر تصمیم می گرفتند که در خدمت کلیسا قرار بگیرند تعالیم مذهبی و دانشگاهی را دنبال می کردند و اگر به کسوت سلحشوری در آمدند ، تعالیم جسمانی ، اجتماعی و نظامی را پشت سر می گذاشتند . برای یک نوجوان کسوت سلحشوری و شوالیه گری بیشتر از کلیسا حذب و کشش داشت . تمریناتی را که باید شوالیه انجام می داد طولانی و کامل بود . تمرینات بدنی نقش اصلی را به عهده داشتند . در سن ۷ سالگی پسران برای شروع تعلیم شواله گری به قلعه یک نجیب زاده فرستاده می شدند . نخست با او مثل یک پادو برخورد می شد و معلم آموزشی او یک زن از قلعه گرد بود . در مدت پادوی او آداب احترام ، پیشخدمتی ، پیغام رسانی و کمک به اهل خانه را یاد می گرفت . باقی مانده دوره کارآموزی را در فعالیت جسمانی برای سال های پر التهاب شوالیه گری آماده می شد و در رقابتهای چون بوکس ، دو و شمشیربازی ، شنا و پرش شرکت می کرد . پسر در سن ۱۴ سالگی سلحشور می شد و در اختیار شوالیه قرار می گرفت . در این دوران پاک کردن اسلحه شوالیه ، نگهداری از اسب و کمک به شوالیه در پوشیدن زره ، مراقبت از زخم ها ، نگهداری از زندانیان شوالیه ، از درس های بودند که باید می آموخت .

در دوران سلحشوری بر تمرینات بدنی تأکید می شد . پرداختن به تمرینات سخت و ورزش های چون شکار ، تیراندازی با نیر و کمان ، دو ، کوهنوردی ، اسب سواری و بالا رفتن از دیوار و شمشیربازی اجباری بود .

اگر سلحشوری از خود لیاقت نشان می داد در ۲۱ سالگی به کسوت شوالیه ها در می آمد . مراسم تشریفات به یادماندنی بود . شوالیه آینده حمام تطهیر می گرفت ، با لباسی سفید ، شبی را به دعا و تمرکز می گذاراند . صبح روز بعد گُرد شمشیر خود را به دوش شوالیه می گذاشت و این مراسم به عنوان مجلس اعطای منصب شوالیه ای شناخته می شد .

مبارزه با نیزه و شمشیر بازی سواره ، دو رویداد بسیار مهم برای آزمایش آمادگی شوالیه بود و در طول زندگی شوالیه چندین بار تکرار می شد . در نیزه بازی هر کدام از شوالیه ها سعی می کرد حریف خود را از روی اسب به زیر بکشد . در شمشیر بازی سواره برنامه ای طراحی می شد تا شوالیه مهارت شمشیرزنی خود را به نمایش می گذارد ، آنها مثل دو تیم در دو انتهای میدان نبرد می ایستادند و با یک علامت هر کسی سعی می کرد حریف خود را از تیم مقابل از اسب به زیر اندازد . این مسابقه تا مشخص شدن برنده ادامه می یافت . اغلب شوالیه ها نشان بانوان خود را به زره های خود وصل می کردند و با تمام توان و مهارت برای کسب افتخار تلاش می کردند . در این مبارزه احتمال مرگ نیز برای شرکت کنندگان وجود داشت . در طول این نمایش بود که شوالیه فرصت می یافت تا شجاعت ، قدرت جسمانی و شهامت خود را به نمایش گذارد .

ورزش و تربیت بدنی پس از رنسانس :

با تجدید حیات فرهنگ ، ادبیات و هنر ، علم و دانش نیز دز اروپا دستخوش تحول و دگرگونی گردید و در دانشگاه ها و مدارس ، اندوخته های عملی به تدریج مورد نظر قرار گرفت . درایت تغییر بینش عملی ، تجربیات ، نوشته ها و علوم یونان باستان و مشرق زمین متریقی مورد استفاده واقع شد و پایه اکتشاف جدید و ظهور نظریات نوین در زمینه های علمی گردید . به پیشرفت دانش تولیدات صنعت و کشاورزی هم دچار تغییرات اساسی

گردید و روز به روز گسترش یافت . در این بین اختراع اولین ماشین بخار توسط جیمز وات (به سال ۱۷۷۷ میلادی) تحولی بسیار عظیم در صنعت و تکنولوژی به وجود آورد . بدین ترتیب ماشین قادر شد هزاران برابر آنچه انسان بدون تکنولوژی قادر به ارائه آن بود تولید نماید . اختراع راه آهن و تکامل سایر وسایل نقلیه باعث گردید تولیدات اضافی در بخش کشاورزی و صنعت از نظر استفاده و مصرف دچار مشکل نگردیده و به سایر جاها ارسال گردید . این امر باعث تبادل کالا بین تمام قسمت های اروپا و رشد و توسعه بازرگانی گردید .

با گسترش روز افزون ماشین ، صادرات مازاد تولیدات صنعتی و کشاورزی به سایر قسمت های جهان معمول تر شد و هر روز سرعت بیشتری گرفت . ظرف مدت کمی کالاهای متعدد و گوناگون اروپا ، بازارهای آسیا را تسخیر کرد . این پدیده ، ثروت و رفاه برای اروپائیان را به ارمغان آورد . وقتی آنان از غم آب و نان رها شدند متوجه ایجاد تحول در سایر زمینه های زندگی گردیدند . طبعاً یکی از این زمینه ها تعلیم و تربیت بود . این تحول از زمانی احساس شد که انسان ها مصمم شدند زندگی خود را بر اساس عقل و اندیشه و خرد بنا نمایند . زهد گرایی ظاهری مبتنی بر برداشت غلط از دستورات دین را کنار بگذارد و درک کنند که بهترین نعمت ها مخصوص بدترین بندگان خدا نیست . بنابراین به عنوان اولین گام در راه این تحول انسانی شگرف به تعقل درباره نظام طبیعت ، منشأ ، قوانین ، علل و ویژگی های حاکم بر آن پرداخته و شیوه های کسب خوشبختی انسان ها در زندگی فردی ، امنیت مادی ، معنوی ، اخلاقی جامعه ، روابط اجتماعی مطلوب و سعادت کل جامعه را در مورد مطالعه و بررسی قرار دادند . در این دوره دانشمندانی مانند « جان لاک » ، « ژان ژاک رشو » ، « کانت » ، « شیلر » ، « فروبل » و دیگران ضمن مطالعه نظرات علماء

یونان باستان و دانشمندان اسلامی درباره روش ها و مکاتب موجود خود تجدید نظر نموده و روش های نوین مبتنی بر نیازهای زمان و فطرات انسان را جایگزین نمودند

به دنبال تحولات در تعلیم و تربیت ، تربیت بدنی نیز از تغییرو تکامل دور نماند . زیرا نظریات جدید بر این اصل صحّه می گذاشتند که انسان از دو بعد بزرگ نباید فراموش شوند .

به زودی علمای آموزش و پرورش به این نتیجه رسیدند که برای تحقق اهداف تربیت بدنی نیازمند مطالعات عمیق تر و تحقیقات وسیع تر هستند . بدین ترتیب اولین برنامه هاس مطالعاتی تربیت بدنی و ورزش در رابطه با تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، زیست شناسی ، جامعه شناسی بیومکانیک و سایر آموزش و پرورش بعد از رنسانس گردید .